

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۷ - مطلب اول: وجه تکرار امر به یادآوری نعمت -
تاریخ: ۲۶ مهر ۱۴۰۱
مصادف با: ۲۱ ربیع الاول
جلسه: ۲
مطلب دوم: دو احتمال درباره کلمه «نعمتی»

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

مطلب اول: وجه تکرار امر به یادآوری نعمت

بعد از بیان ارتباط این آیه با آیات قبل، عرض کردیم چند مطلب وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. آیه این بود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ». یکی از مطالب که اشاره هم شد، این است که چرا امر به یادآوری نعمت تکرار شده است؛ در هفت آیه قبل عیناً همین مطلب بیان شده و اینجا هم ذکر شده، در آینده هم امر به یادآوری نعمت، در همین سوره بقره و برخی سوره‌های دیگر تکرار شده است؛ هم هشدار و انذار و هم تیشیر. علت تکرار امر به یادآوری نعمت به قوم بنی‌اسرائیل این است که آنها کثیراً و مکرراً غفلت پیدا می‌کردند؛ داستان قوم بنی‌اسرائیل اگر واکاوی شود، تحولات روحی و رفتاری اینها قابل توجه است. یعنی به مناسبت‌های مختلف اینها از خداوند متعال و انبیاء خودشان غفلت پیدا می‌کردند و چون غفلت‌های فراوانی داشتند یا به تعبیر دیگر اسباب غفلت در آنها زیاد بوده، لذا این مسأله تکرار شده برای اینکه اهمیت التفات و توجه و بازگشتن از غفلت را به اینها گوشزد کند. بالاخره قوم بنی‌اسرائیل و یهود و به ویژه علمای یهود، بعد از بعثت نبی مکرم اسلام شروع به انکار کردند. این انکار مبتنی بر یک سری امور بود، از جمله برتری طلبی‌هایی که در این قوم وجود داشت؛ یعنی اصلاً بنی‌اسرائیل خودشان را یک قوم برتر می‌دانستند و در همان ایامی که ولادت رسول خدا(ص) اتفاق افتاد، برخی از یهودیان به شدت ترسناک بودند از اینکه چرا آن پیامبر موعود از قوم و قبیله آنها نیست. این خیلی آنها را نگران و ترسناک کرده بود؛ این به خاطر این بود که اینها خودشان را یک قوم برتر می‌دانستند و معتقد بودند باید پیامبر از این جماعت برانگیخته شود و این مسبوق به سابقه هم بود؛ چون شاید هیچ قومی از ابتدای خلقت تا به آن روز، به اندازه قوم بنی‌اسرائیل پیامبر از میانشان مبعوث نشده بود. پیامبرانی که خداوند متعال از این قوم مبعوث به رسالت کرده، فراوان هستند؛ اکثر انبیاء الهی که نام اینها در قرآن ذکر شده، از قوم بنی‌اسرائیل هستند. بنابراین برای اینها این مسأله خیلی مهم بود که پیامبر موعود و پیامبر خاتم هم از این قوم و قبیله باشد، و چون دیدند این چنین نشده، راه انکار را پیش گرفتند و آن مسائلی که در جریان هستید.

بنابراین چون هم اسباب و زمینه‌های رویگردانی و غفلت در گذشته در بنی‌اسرائیل فراوان بود و هم در آن زمان به دلایل مختلف از جمله خودبرتر پنداری بنی‌اسرائیل، زمینه انکار و غفلت و رویگردانی در آنها قوی بود. برای همین است که خداوند متعال این را در آیات قرآن تأکید می‌کند. شما اگر در قرآن از ابتدا تا انتها نگاه کنید، موارد زیادی می‌بینید که

داستان قوم بنی اسرائیل و نعمت‌هایی که خداوند به قوم بنی اسرائیل داده و سرانجامی که پیدا کردند را گوشزد می‌کند. ضمن اینکه خداوند در مورد آنها اینجا می‌فرماید: «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» و چند جای دیگر هم این را فرموده، اما در عین حال این را هم فرموده «وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ» که بر آنها قرار داده شد ذلت و مسکنت و اختلاف؛ یعنی آن قومی که بر عالمیان برتری پیدا کرده بودند به خاطر ناسپاسی، ناشکری، غفلت، غرور، معیارهای ناصواب و برتری طلبی‌هایی که در آنها بود، تبدیل شدند به یک قوم ذلیل و ضرب‌المثل برای همگان که کراراً قرآن خطاب به مردم می‌فرماید به قوم بنی اسرائیل نگاه کنید؛ کأن این شده یک آینه عبرت برای سایر مردمان و برای امت پیامبر.

پس وجه تکرار امر به یادآوری نعمت‌ها معلوم شد.

مطلب دوم: دو احتمال درباره کلمه «نعمتی»

می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ». اینجا خداوند متعال می‌فرماید نعمت مرا یادآوری کنید. اولاً انتساب نعمت به خداوند تبارک و تعالی این خودش یک مسأله است برای هوشیار کردن و بیدار کردن این قوم. می‌گوید آن چیزهایی که شما دارید و به آن افتخار می‌کنید و موجب برتری شما بر دیگران شده، همه از من است؛ این خودش راهی برای بیدار کردن است. بدانید که از ناحیه من است و خداوند این نعمت را به شما داده است. بعد می‌فرماید «نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» هم با «ی» تکلم فرموده، یعنی نعمت من؛ آن نعمتی که من به شما آن را ارزانی کردم. این یک تأکید دوباره است؛ مثل اینکه کسی بگوید هدیه من که من این را به تو هدیه دادم، این تأکید است. اینجا خداوند می‌خواهد تأکید کند نعمت من که من این نعمت را به شما ارزانی داشتم را به یاد بیاورید. خود «نعمتی» و «انعمت» اضافه به «ی» متکلم و آنجا هم با صیغه مفرد متکلم این را که می‌فرماید، باز این یک ابزاری است برای بیدار کردن اینها از خواب غفلت.

می‌فرماید به یاد بیاورید نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم. اولاً «نعمتی» به چه معناست؟ آیا این یک نعمت کلی است که مصادیق مختلف دارد یا به یک نعمت خاص که برجسته‌ترین نعمت‌هاست اشاره می‌کند؛ منظور کدام یک از اینهاست؟

احتمال اول

یک احتمال این است که بگوییم «نعمتی» به معنای جنس است، نعمت من؛ یک لفظی است که تمام مواردی که خداوند متعال به بنی اسرائیل عطا کرده را دربرمی‌گیرد؛ در بین اینها برخی از نعمت‌ها برجسته هستند و ... همه نعمت‌های خدا را در برمی‌گیرد که به برخی از این نعمت‌ها در آیه ۴۹ و ۵۰ اشاره می‌کند. این نعمت‌ها هم مادی و هم معنوی بود؛ ارسال رسل از میان قوم بنی اسرائیل، سلیمان، داود، این پیامبرانی که ملک و حاکمیت و قدرت و ثروت داشتند؛ باز شدن دریا و نجات پیروان موسی از غرق شدن در دریا؛ یا مثلاً عذاب‌هایی که در اقوام و امم پیشین بوده نسبت به این قوم، آن عذاب‌ها نبود. یعنی نعمت‌های فراوان مادی و معنوی که اگر ما حتی فقط بخواهیم آنچه در قرآن ذکر شده را احصاء کنیم، ده‌ها

۱. سوره بقره، آیه ۶۱.

مورد می‌توان ذکر کرد. حالا این «نعمتی» آیا اشاره به یک نعمت خاص دارد یا اسم جنس است به یک معنا که شامل تمام مصادیق نعمت می‌شود، یا مثلاً برجسته‌ترین نعمت را بیان می‌کند. اینجا دو احتمال هست؛ یک احتمال این است که «نعمتی» یک عنوان کلی است که شامل همه نعمت‌های خداوند می‌شود که مصادیق متعددی دارد. خلاصه «نعمتی» طبق این احتمال وقتی می‌گوید «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ»، یعنی می‌خواهد بگوید ای بنی اسرائیل یادتان بیاید که من در حق شما چه کردم؛ مثل اینکه کسی به دیگری می‌گوید تو هیچ بودی و من تو را به جایی رساندم؛ گاهی در محاورات یک نفر برای یک مغازه‌ای کار می‌کند یا کسی یک بنده خدایی را از بیکاری نجات می‌دهد و او را تأمین می‌کند، بعد اگر او یک روزی ناسپاسی کند می‌گوید یادت بیاید خدمتی که من به تو کردم. این خدمت من به تو، یعنی مجموعه کارهایی که من برای تو کردم. اینجا هم «نعمتی» یعنی آن نعمت‌هایی که من به تو دادم، آن چیزهایی که من به تو ارزانی داشتم؛ این شامل همه نعمت‌های مادی و معنوی خداوند می‌شود. طبق این احتمال، «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، یکی از آن نعمت‌ها یا برجسته‌ترین یا نتیجه آنهاست. پس یک احتمال در مورد «نعمتی» این است که یک جنسی است که شامل همه نعمت‌های خداوند به قوم بنی اسرائیل می‌شود و در حقیقت مصادیق فراوانی دارد.

احتمال دوم

احتمال دوم اینکه «نعمتی» اشاره به یک نعمت خاص دارد. این نعمت خاص می‌شود مهم‌ترین و برجسته‌ترین نعمت‌ها؛ حالا این مهم‌ترین و برجسته‌ترین نعمت‌ها چیست؟ اگر بگوییم همان مسأله فضیلت و برتری پیدا کردن بر عالمیان است، طبیعتاً جمله بعدی می‌شود تبیین همین نعمت؛ این اشاره به یک نعمت خاص و برجسته و مهم دارد که این خودش نتیجه همه نعمت‌های دیگر است. یعنی یادتان بیاید نعمت من به شما را که نتیجه همه نعمت‌های دیگر است که آن «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» است. آن وقت طبق این احتمال، «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» می‌شود تبیین نعمت که در جمله قبل گفته شده و مجمل بوده؛ اینجا مثلاً آن را توضیح داده است.

اینکه مسأله برتری پیدا کردن قوم بنی اسرائیل را بر سایر عالمیان یک نعمتی جدا از سایر نعمت‌ها حساب کنیم، این به نظر می‌رسد که قابل قبول نباشد؛ چون جای بحث دارد که خداوند متعال به چه دلیل اینها را برتری داد؟ این برتری در چه بود؟ چون این برتری خیلی کلی است و ما باید ببینیم اینکه برتری داده، یعنی چه کار کرده است. وقتی می‌رویم سراغ تحلیل و تفسیر برتری دادن بنی اسرائیل بر سایر انبیاء، به همان نعمت‌هایی که برشمرده شده برمی‌خوریم. یعنی وقتی مجموع اینها را نگاه می‌کنیم، به خاطر اینکه خدا این کارها را با اینها کرده، مثلاً بیشترین انبیاء از این قوم بودند، این طبیعتاً باعث برتری شده است. به عبارت دیگر برتری دادن یک امری مجرد از سایر مزیت‌ها و نعمت‌هایی که خداوند به این قوم داده نیست، بلکه نتیجه آنهاست و خود آن نعمت‌ها اساساً معیار و شاخص برای برتری قوم بنی اسرائیل نسبت به سایر اقوام هستند. پس اینکه بخواهیم «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» را یک نعمت ویژه و خاص و جدای از سایر نعمت‌ها قرار دهیم، این احتمال به نظر ضعیف می‌آید.

حق در مسأله

می‌توانیم بگوییم «نعمتی» یک جنس است که همه نعمت‌ها را در برمی‌گیرد و این «نعمتی» مصادیق مختلف دارد و نتیجه آن شده فضیلت و برتری بر سایر اقوام. یعنی می‌خواهم عرض کنم که احتمال اول رجحان دارد بر احتمال دوم که این یک جنس باشد، مصادیق مختلف داشته باشد و این «نعمتی» اطلاق شود به همه آنها و آن وقت «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» می‌شود نتیجه آنها. یعنی من به واسطه اینها شما را بر همه عالیمان برتری دادم.

پس در بین این دو احتمال به نظر می‌رسد احتمال اول اولی و مناسب‌تر است.

بحث جلسه آینده

اما «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» به چه معناست؟ «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» معلوم شد به چه معناست؛ می‌آییم سراغ تفضیل و برتری این قوم بر سایر اقوام و ملل و امم. اینجا نکاتی وجود دارد که در آینده بیان خواهیم کرد.
«والحمد لله رب العالمين»